



نوشت چاکر و داعیش «مجد پارسی» آن
 که چون سعادت کردست بر درش خویشی
 به نیمروز و خراسان خبر رسد، گر من
 به نیشب بگریزم ز خطه شیراز
 معین الدین پروانه در خطاب به مجدهمگر گفته است:
 ز شمع فارس، مجد ملت و دین
 سوالی می کند پروانه روم

و نیز محمد بن بدر جاجرمی که زمان وی را درک کرده است
 در مونس الاحرار تالیف سال ۷۴۱ نام مجد را چندبار با نسبت
 شیرازی آورده است، و پدر وی یعنی بدر جاجرمی از دوستان
 نزدیک مجد بوده و تاریخ فوتش را همو گفته است:

سال هشتاد بود و ششصد و شش
 هفده بگذشته بد ز ماه صفر
 که شد از اصفهان به دار بقا

منع فضل، مجد دین همگر
 درباره خواجه محمد شریف هجری رازی بنگرید به: تذکره
 میخانه، حاشیه ص ۴۴۱، ۴۴۲. شاهدخت جلایری مذکور در پرده
 نشینان سخنگوی، آفاق هروی «آقا بیگم جلایر» است که در
 ترجمه مجالس النفایس (ص ۱۶۴) ذکرش آمده است، و ملایری
 نیست.

درباره شعر: خال به کنج لب یکی طره مشکفام دو... اگر چه
 من صاحب آن را ذکر کرده‌ام، خودتان در معنی آن غور کنید و
 ببینید که این شعریست که زن برای مرد گفته یا مرد برای زن؟ و
 سند دیگر لازم نیست، مرحوم آیتی دوست صمیم من بود و از این
 شیرینکاریها فراوان داشت، راجع به کارهای اضافی از قبیل معرفی
 فیلم تذکره‌ها و تجدید چاپ فرهنگ سخنوران که صدها اشتباه
 در آن هست، چون بنده شرمنده روزهای آخر عمرم را می گذرانم،
 بهتر است که جوانانی فاضل و پرشور و فعال مانند سرکار دامن
 همت به کمرزنند. لطفاً به آقای انتظاری محبوب و خوب و دوست
 داشتنی سلام بالا بلند مرا برسانید، توفیقات شما را در امور علمی
 و ادبی از خدا خواهیم؛

احمد گلچین معانی

سرور مکرم جناب آقای ایرانی

سلام علیکم

امیدوارم مؤید و منصور باشید. پیرو اقدام خوب جناب استاد
 افشار، یک نامه دیگر از زنده‌یاد احمد گلچین معانی (مورخ
 ۶۸/۹/۱۷) همراه با کپی نامه خودم تقدیم می‌شود، شاید سودمند
 باشد. از اظهار محبت شما دایر بر فرستادن مستمر آینه میراث
 متشکرم.

حسین مسرت

حضور محترم حضرت آقای حسین مسرت

نامه مفصل شما مورخ ۶۸/۹/۲۱ واصل شد. اگر چه من در
 وضع و حالی نیستم که بتوانم به تفصیل به نامه شما پاسخ بدهم،
 ولی برای خالی نبودن عریضه به اختصار نکاتی را یادآور می‌شوم.
 اصولاً تألیف تاریخ تذکره‌های فارسی برای این بود که بوسیله
 آن پژوهندگان، احوال و آثار شاعران ادوار مختلف را در تذکره‌ها و
 منابع دست اول جستجو کنند. و اگر بنا بود که ترجمه حال مجد
 همگر شاعر قرن هفتم از تذکره شبستان یا آتشکده یزدان
 استخراج شود؛ تألیف تاریخ تذکره‌ها چه ضرورت داشت؟ کسانی
 که در راه تحقیق قدم می‌نهند باید تعصب و حب و بغض را از خود
 دور سازند و آنچه حق و واقع است در نظر بگیرند. درباره مجدهمگر
 نوشته‌اید: «تاریخ تذکره‌های خودتان ج ۱ ص ۵۳۴ ذیل خلاصه
 الاشعار، وی را یزدی دانسته و نیز تذکره شبستان ص ۱۳۱ B که
 ذیل شعرای یزد آمده است» در آن صفحه تاریخ تذکره‌ها که
 اسامی شعرای معاصر مؤلف درج شده است، نام مجدهمگر نیست
 و نباید باشد. ولی در ص ۵۲۶ س ۱ «مجدالدین همگر فارسی»
 مذکورست.
 لایه دیوان او را کتابخانه وزیر دارد، و اگر ندارد به این ابیات او
 توجه کنید:

کدام چاکر؟ داعیش «مجد پارسی» آن

که دیده است بسی شاه را چو خسرو و کی

استاد گرامی جناب آقای احمد گلچین معانی

با سلام و آرزوی بهروزی و طول عمر برای آن وجود شریف و با بوزش از مزاحمتی که فراهم می‌آورم، به اطلاع می‌رسانم حقیر پس از مطالعه کتاب ارزشمند و بیادماندنی تاریخ تذکرةهای فارسی که آرزوی تجدید چاپ و پربارتر شدن آن را دارم (با توجه به نایاب بودنش در بازار کتاب امیدوارم چاپ سوم آن را بزودی اهل ادب زیارت کنند) نکاتی چند به نظرم رسیده که جسارتاً یادآور می‌شوم:

۱. تاریخ تذکرةها، ج ۲، ص ۵۶۲ - ۵۵۹ ذیل تاریخ یزد آیتی.
- الف - درباره یزدی بودن مجددمگر رجوع شود به جامع مفیدی، ج ۳، ص ۴۳۲. تذکرة شبستان ص ۱۳۳ B - ۱۳۲ B. تاریخ یزد طاهری، ص ۱۲۵ - ۱۲۰، مروارید کویر ص ۵۹.۶۰، سالنامه فرهنگ یزد، سال ۱۳۲۸، ص ۲۹.
- ب - تذکرة شبستان ص ۱۴۳۸ نیز شریف رازی را یزدی دانسته است.
- ج - آیتی ذیل ص ۳۳۱ از فرات یزدی یاد کرده است. د - تاریخ تذکرةهای خودتان، ج ۱، ص ۵۳۴ ذیل خلاصة الاشعار وی را یزدی دانسته و نیز تذکرة شبستان ص ۱۳۱ B که ذیل شعرای یزد آمده است.
- ه - درباره شعر خال به کنج لب یکی طرۀ مشکفام دو... نگاه شود به انتهای غزل که آمده: «کان کرم جوادخان کزدل و از کفش برد» و توضیح آیتی در پاورقی ص ۲۷۶: «جوادخان برادرزاده ام هانی بوده است» البته کتابهای دیگر نیز وابستگی این غزل را به ام‌هانی تأیید می‌کنند که در صورت لزوم خواهم فرستاد. هر چند این غزل را نیز به محمد قلی کازرونی و صحبت لاری و... هم نسبت می‌دهند.
۲. در ج ۲، ص ۵۸۷ تاریخ تذکرةها آمده: «جلد دوم جامع مفیدی...»
- جلد دوم جداگانه اصلاً چاپ نشده و تنها بخشی از آن در فرهنگ ایران زمین جلد ۱۱ (۱۳۴۲) به کوشش ایرج افشار چاپ شده است.
۳. تاریخ تذکرةها، ج ۱، ص ۱۵۰ س ۱۳ و ۱۴ - باید شاهدخت ملایری باشد نه جلایری. ن. ک: خیامپور، ص ۳۹۰.
۴. درباره اخبار الی‌یزد رک: مقدمۀ یادگارهای یزد، ج ۲، ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴، صص ۲۹ - ۳۰.
۵. چند تذکرة نیز می‌دانید در این سالها چاپ شده از جمله دورۀ سه جلدی حدیقة الشعراء، به کوشش عبدالحسین نوایی، نزهة المجالس به کوشش دکتر محمد امینی ریاحی، تذکرة شعرای آذربایجان، جلد ۱ و ۲، محمد دیهیم (ر. ک: کیهان فرهنگی، س ۶، ش ۸ (آبان ۱۳۶۸) ص ۴۴ و...
۶. و همانگونه که می‌دانید تذکرة شعرای یزد فتوحی نیز چاپ شده. تذکرة شعرای یزد، عباس فتوحی، تهران، کتابفروشی تاریخ، ۱۳۶۶، ۲۴۰ ص. نسبت به پایان نامه تغییرات بسیار کرده، نخست آنکه شعرای جندق و نائین حذف شده و دوم آن که بخش معاصرین آن غنی تر شده است.
۷. نوشته‌های دکتر وزیر یزدی درباره تذکرة میخانه بکلی نادرست است، چرا که بنا به نوشته تاریخ یزد آیتی و آئینه دانشوران و ریحانة الادب و الذریعة (ذیل وامق)، میرزا حسینی مدرسی یزدی (وامق زاده) پسر یحیی مدرسی متخلص به فدایی بوده که دکتر وزیر یزدی از آن دو معجون درست کرده به نام فدایی مدرسی یزدی و ثانیاً ضمیمۀ هیچ کدام از نسخه دیوان فدایی (همان سید یحیی پسر محمد علی وامق مولف میکده) چیزی به نام تذکرة میخانه نیست، شما که دور از یزد هستید می‌توانید فهرس وزیر یزدی را برگردید و بنده نیز هر چهار نسخه را (یکی هنوز در فهرست نیامده شاید در جلد ۶ بیاید) تورو و بررسی نموده‌ام و به چنین موردی برنخوردم.
۸. ذیل میکده توضیح داده شود برخی جاها آن را به نام آشیانه میکده نیز قلمداد کرده‌اند که بکلی نادرست است و اینکه نام بخش پایانی میکده، آستانه است، نه آشیانه که برخی بر نام تذکرة اطلاق کرده‌اند.
۹. حقیر پیشنهادی دارم، چون این اثر در همیشه تاریخ ادبیات ایران به نام شما خواهد ماند، خوبست تذکرةهایی که فیلم شده و نشانش را در سه جلد فهرست میکرو فیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران داده‌اند، شما نیز یادآور شوید که از آن حالت زندانی بودن بدرآید، یک پیوستی بگذارید به نام تذکرةهایی که فیلم شده است. از این طریق دستداران ادب، دیگر در چارچوب مقررات دست و پاگیر هر کتابخانه‌ای نمی‌مانند و برای دیدن یک تذکرة به آسانی با یک معرفی نامه فیلم آن را در کتابخانه مرکزی دانشگاه دیده و خوانده و با بروی آن کار می‌کنند و آماده چاپش می‌نمایند.
۱۰. حقیر با تلاش زیاد فهرست شعرای تذکرة شبستان را بیرون آوردم، در صورت نیاز و برای افزودن به چاپ سوم بفرمائید بفرستم.
۱۱. فهرست اعلام کامل نیست و می‌تواند پربارتر ازین باشد، به ویژه آوردن اعلام استدراکات در آن.
۱۲. و در سال ۱۳۶۶، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مغنسانیز به کوشش دکتر توفیق سبحانی و از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ شده.
۱۳. با توجه با احاطۀ جنابعالی، افزودن کتابنامه و فهرست منابع برای نوپژوهان بسیار لازم است تا بدانند ریو چیست و استوری چه هست و...

۱۴. نکته پایانی و بسیار قابل توجه، اشتباه چشمگیر آقای محمد شیروانی فهرست نگار کتابخانه وزیری بوده که نسخه شماره ۴۵۲ خطی (مندرج در جلد یک فهرست وزیری) را تذکره شعرای عصر فتحعلی شاه قلمداد کرده و نویسنده‌اش را محمد فاضل خان گروسی دانسته است. حقیر با مطالعه مقدمه تذکره و مطابقت شعرای آن با نسخه دانشگاه تهران (ج ۱۰، ص ۱۸۶۹ به بعد) متوجه شدم که آن مدایح حسینی است (ن ک تذکره‌ها، ج ۲، ص ۱۸۵ - ۱۸۳) و شایسته است که نسخه دوم این تذکره را در کتابخانه وزیری بدانید. در خاتمه بگویم که اهل ادب انتظار و توقع دارند که فرهنگ سخنوران ایران به کوشش شما چاپ شود یا اینکه کتاب زنده یاد خیامپور را اصلاح و تکمیل کنید.

چون حقیر مطمئن نبودم که نشانی شما را درست نوشته باشم، خواهشمند است این نامه را اعلام وصول بفرمائید.

حسین مسرت

۶۸/۹/۲۱

مدیر عامل محترم مرکز نشر میراث مکتوب

با سلام

مدیر عامل محترم مرکز نشر میراث مکتوب
ضمن عرض سلام و تشکر فراوان عطف به نامه شماره ۴۰۸۵۵ مورخ ۸۰/۳/۳۰ بدینوسیله وصول دو جلد کتاب جواهر الاخبار و خلدبرین را اعلام می‌دارد. بدیهی است پس از مطالعه آثار فوق در صورتی که مطالب قابل نقدی به نظر رسید، جهت درج در مجله آینده میراث متعاقباً ارسال خواهد شد. در خاتمه موفقیت آن مرکز جهت انتشار آثار ذیقیمی شبیه کتب فوق را خواستارم.
ویلم قلو

از نامه محبت‌آمیز و مشوق جنابعالی و ارسال کتاب بسیار ارجمند الاثار الباقیه عن القرون الخالیه ابوریحان بیرونی و شماره سیزدهم آینده میراث و گزارش شش سال تلاش بسیار سپاسگزارم. نگاهی به نوع کارها و دقت و وسواسی که در آن بکار رفته است کافی است که آشنایان به این وادی را به حجم و عمق زحمات شما و دست اندرکاران محترم آن مرکز آشنا کند. از مطالعه کتاب و فصل نامه فوق الذکر بسیار بهره‌مند شدم و حظ بردم.

احمد جلالی

رئیس کنفرانس عمومی یونسکو

سفیر و نماینده دائم

جناب آقای اکبر ایرانی

با سلام و تجدید مراتب اخلاصمندی، از اینکه همچنان مجله را برای این ضعیف می‌فرستید و این بار نیز کتاب آثار الباقیه ابوریحان بیرونی را که به همت فاضل ارجمند جناب پرویز اذکایی به حلیه طبع آراسته شده، برایم عنایت فرموده‌اید، بسیار سپاسگزارم. خداوند به شما عمر و عزت بدهد تا همراه با دوستان فاضل دیگر به این دست کارهای مفید و فرهنگی ادامه بدهید که نعم الاشتغال است: «می‌کند حافظ دُعایی بشنو آمینی بگو».

در این عریضه دو مطلب را به عرض عالی می‌رسانم:

۱. بنده به سبب اشتغال به ترجمه تفسیر کبیر امام فخررازی و تدریس و... فرصت کار زیادی را ندارم و اکنون ۵۷ سال دارم و گرد پیری نیز از راه می‌رسد یا رسیده است و مزید بر علت شده است.

۲. در مورد آثار الباقیه همچنانکه می‌دانید مرحوم استاد اکبر داناسرشت (صیرفی) آن را به فارسی ترجمه کرده بودند و امیرکبیر آن را چاپ کرده بود. آیا بهتر نبود این متن نیز مورد توجه مصحح گرانمایه قرار می‌گرفت؛ و یا مؤسسه سرکار، آن را نیز ملاحظه می‌فرمود، و شاید بکار می‌آمد. شاید هم مصحح محترم خود آن را مجدداً و با دقت بیشتر ترجمه خواهند فرمود. به هر حال تذکری است. بار دیگر از لطف و عنایت شما سپاسگزارم و توفیق روز افزون شما را از حضرت حق مسألت دارم.

علی اصغر حلبی

مدیر عامل محترم مرکز نشر مکتوب

با سلام واحترام

کرده بودم و اصل شد. نه تنها باید از بابت یکصد مورد مسایل چاپی به شما تبریک بگویم. انتشار آن در ظرف مدت کوتاهی در شهرستان نیز درخور توجه است. به هر حال دعای خیرم بدرقه راه شماست و توفیقات بیش از پیش حضرتعالی و جناب اذکایی را از خداوند متعال خواهانم و اطمینان دارم که کتاب مذکور در سالهای سال بهترین اثر منتشر شده در ایران خواهد بود.

با اظهار تشکر و امتنان

دکتر رضا عبداللهی

لحظاتی پیش کتاب گرانقدر الاثار الباقیه دانشمند کبیر ایران، ابوریحان بیرونی را که دانشمند بی‌همانند معاصر جناب آقای پرویز اذکایی - که عمرشان درازباد - تصحیح و با تعلیقات بسیار مفید به سامان رسانده‌اند، دریافت کردم. بدون مداخنه می‌گویم که به حقیقت این کتاب و چاپ منقحی که با پایمردی حضرتعالی منتشر شده است، از دیدگاههای مختلف کاری است کارستان که حتی اشاره کوتاهی به تمامی جوانب آن خود مقاله بلندی را می‌طلبد. مسلماً چنین مقاله‌ای با مقاله‌ای که به پیوست ارسال می‌دارم، متفاوت خواهد بود. پس از گذشت ۱۲۳ سال از تاریخ چاپ الاثار الباقیه بوسیله زاخو اکنون حضرت آقای اذکایی با مساعدت و پایمردی حضرتعالی از میراث داران بیرونی اعاده حیات فرموده‌اید و باید اقرار کرد که در طول این ۱۲۳ سال گذشته با تمام ضرورتی که داشت، کسی را یارای دست یازدیندن به چینی کار گرانسنگی نبود.

زاخو یک سال پس از انتشارش الاثار الباقیه ترجمه انگلیسی آن را چاپ کرد و این اقدام بیش از دو چندان بر اعتبار علمی او افزود. امیدوارم سال آینده شاهد ترجمه فارسی این اثر با قلم شیوای حضرت دکتر اذکایی باشیم نسخه‌ای که با عنایت و توجه خاص برایم ارسال فرموده‌اید، پس از آن که در اصفهان خریداری

سازمان محترم مرکز نشر میراث مکتوب

با عرض سلام و تشکر فراوان

از ارسال دو اثر اخیر الانتشار اشعار می‌دارد توجه آن مرکز به نشر آثار مکتوب و قدیمی واقعاً موجب امیدواری بسیار است که آثار متروکه مخصوصاً باقیمانده از دانش و فرهنگ و علم و هنرموروثی بازنگاری و به وسیله آن سازمان احیاء و منتشر می‌گردد که از آن جمله تجدید نظر و ویراستاری و چاپ و انتشار کتاب دو شرح از کلیله و دمنه است که نشانه کمال دقت و انتخاب صحیح دوستان محترم می‌باشد و توفیقات روزافزون آن عزیزان را از خداوند خالق قلم و علم و دانش و هنر مسألت داریم.

والسلام علیکم ورحمةالله

صدر حاج سیدجوادی



برگه اشتراک آینه میراث

آینه میراث

علاقه‌مندان آینه میراث می‌توانند با توجه به شرایط زیر و تکمیل جدول پشت صفحه برای اشتراک بکساله مجله اقدام نمایند.

- هزینه اشتراک سالانه در ایران ۳۴۰۰۰ ریال و در خارج از ایران ۴۵۰ دلار است چنانچه تمایل دارید مجله را در داخل ایران با پست سفارشی دریافت نمائید مبلغ ۵۰۰۰ ریال افزون بر هزینه اشتراک به حساب مجله واریز نمائید.
- هزینه اشتراک را می‌توانید از طریق کلیه شعب بانک ملی ایران در داخل به حساب جاری ۱۱۰۳۰۲ نزد بانک رفاه کارگران شعبه نشر کد ۱۶۶ به نام نشر میراث مکتوب و خارج از کشور به شماره حساب جاری ازری ۷۰۰۳۸۴ نزد بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه (شناسه ۸۷) به نام مرکز نشر میراث مکتوب واریز نمائید.
- جدول تکمیل شده اشتراک را به همراه اصل سند واریز وجه به نشانی پستی آینه میراث (تهران، صندوق پستی ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵) ارسال فرمائید.
- در صورتی که سه ماه پس از اشتراک، آینه میراث به دست شما نرسید حتماً علت را از مرکز نشر میراث مکتوب پیگیری نمائید.
- رونوشت سند بانکی را تا پایان اشتراک خود حفظ نمائید.

حضور محترم جناب آقای ایرانی

با عرض سلام و تقدیم ارادت و احترام

مقاله «چراغی که به خانه روا بود» نوشته جناب آقای صدراپی خوبی، دوست عزیز و دانشمند مطالعه شد بی‌مناسب نیست چند نکته ذیل در پاسخ مقاله ایشان درج شود:

۱. بخش نخست مقاله کوتاه ایشان، تماماً برگرفته از مقدمه دوست دانشمند و مورخ جناب آقای سیدعلی موجانی بود که حاوی اطلاع‌رسانی درباره مجموعه طاووس یمانی و از جمله جلد نخستین آن (که درباره میکروفیلم‌های موجود در دارالمخطوطات صنعا است) می‌باشد. ضرورت این کار در همان مقدمه به تفصیل آمده و گفته شده که چنین کاری در جهت معرفی آثار علمای شیعه امامی وزیدی در یمن و نیز ایجاد ارتباط و گفتگوی فرهنگی میان دو کشور دوست ایران و یمن است. چاپ این گونه فهرس، علاوه بر اینکه یک کار علمی و فرهنگی و در مسیر اطلاع‌رسانی است، مرکزیت فرهنگی ایران را در جهان اسلام به همراه دارد. اگر به چاپ چنین کتاب انتقاد شود، پس شایسته است کتاب ارزشمند دانشمند معظم جناب آقای سیداحمد اشکوری درباب مؤلفات زیدیه مورد انتقاد قرارگیرد. چرا که

«چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است».

۲. شایسته بود دوست عزیزمان به نقد و بررسی و یا اهمیت کتاب می‌پرداختند و موارد اغلاط تایپی و یا علمی را گوشزد می‌کردند و الا اینکه چرا در همه جا عبارات تکراری مانند عنوان المخطوط و... آمده، قابل انتقاد نیست، چرا که به سلیقه نویسنده یمنی کتاب و نه به ناشر که حق تصرف هم اتفاقاً در این مورد نداشته، باز می‌گردد.

۳. وجود مشکلات در امر کتاب و نسخ خطی در کشور دلیل این نمی‌شود که درباره کتابهای خارج ایران کاری صورت نگیرد. نه آیا همیشه انتقاد می‌شد که چرا به جای ما، غربیان آمدند و فهرست نسخ خطی و غیره نوشتند و ما کاری نکردیم. هر گونه کوششی در این مسیر در جهان اسلام به نفع همه مسلمین است و خاصه در ایران که مرکزیت فرهنگی جهان اسلام را می‌بایست داشته باشد.

۴. یک نکته را نیز تذکر دهم که گرچه طاووس یمانی، ایرانی تبار بوده و از بنو الاحرار ایرانی یمن، ولی او بی‌تردید همدانی (از شهر همدان و به تعبیر عرب‌ها: همدان) نبوده، بلکه از موالی قبیله همدان یمنی بوده است. بنابراین علامت سکون بر روی میم همدان صحیح است و نه چنانکه دوست ما تصور فرموده‌اند. در عین حال کدام همدانی یعنی منسوب به همدان (شهر) را در قرن اول می‌شناسیم که طاووس نفر دوم آن باشد.

تهران - حسن انصاری



آیینیه

چنانچه مایل به دریافت شماره‌های بعدی آینه میراث می‌باشید.

فرم ذیل را تکمیل و همراه فیش واریزی به آدرس نشریه ارسال نمایید.

نام:

نام خانوادگی:

مبلغ: ۴۶ دلار

۳۴۰۰۰ ریال

شماره رسید بانکی:

نشانی:

شناسه پستی:

تلفن:

اشتراک از شماره: